

بسم الله الرحمن الرحيم

حکمرانی نوین جمهوری اسلامی: تبیینی کارکردی از نظریه نظام انقلابی

احمد مخدومی^۱

چکیده

منظور از حکمرانی نوین اسلامی، تحقق نظریه نظام انقلابی در بیانیه گام دوم است. این نظریه بیان می‌دارد الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی مبتنی بر حفظ اصول ارزش‌ها و آرمان‌ها در چارچوب نظام‌سازی در عین حفظ روحیه انقلابی‌گری و اصلاح‌ضعف‌ها و بازنگری در شیوه‌امری‌شدنی و مقدور است. و این الگو از طریق حضور و به‌کارگیری‌انگیزه و ظرفیت‌مردم قابل‌تحقق است. توجه و تمرکز بر جریان حلقه‌های میانی و از طریق آن شکل‌دهی به حرکت عمومی جامعه برای نیل به آرمان‌ها موجب می‌شود، فضای تنفسی نوآوری شامل همه‌کنش اجتماعی شود و قدرت و تصمیم در انحصار گعده‌ای خاص نباشد. این الگو از حکمرانی متمایز از الگوهای مرسوم حکمرانی نظیر سلسله‌مراتب، شبکه و بازار است. در حقیقت تحقق جریان حلقه‌های میانی کلید تبیین کارکردی از نظریه نظام انقلابی در بیانیه گام دوم به شمار می‌آید.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با نفی حکومت طاغوت و مقابله با ابرقدرتهای جهانی با اتکای به نهضت مردمی و مبانی دینی توانست به مدت ۴۰ سال علی‌رغم کارشکنی‌ها و سستی‌های داخلی و انواع جنگ‌ها و فشارهای بیرونی در عرصه بین‌المللی دوام آورد و به عنوان یک قدرت مستقل از قدرت‌های جهانی شناخته شود. اکنون که این نظام اسلامی در آستانه دومین چهل‌سالگی یعنی در گام دوم خود قرار گرفته است، به فرموده مقام معظم رهبری نه در اصول و مبانی بلکه بایستی در فرایندها و الزامات حرکتی خود به منظور هموارسازی و چابک‌سازی دستیابی به آرمان‌های اصیل انقلاب بازنگری داشته باشد. یکی از مهم‌ترین این موارد بر اساس فرمایشات معظم له بازنگری و اصلاح الگوی حکمرانی نوین جمهوری اسلامی است. در این نگارش ضمن معرفی مفهوم حکمرانی در نگاه علمی، الگوی منظور در نگاه مقام معظم رهبری به عنوان الگوی حکمرانی نوین جمهوری اسلامی ایران به عنوان راه پیشرفت آینده تبیین می‌گردد.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت دولتی و سیاستگذاری عمومی، دانشگاه امام صادق (ع) - ایمیل: makhdoumiaahmad@gmail.com

تاریخچه ای مفهومی از حکومت و حکمرانی

حکومت امری ضروری برای اجتماع

حکومت و حکومت‌داری دغدغه‌ای است که از دیرباز اندیشه خردمندان و حاکمان و متولیان جوامع مختلف را به خود معطوف داشته است؛ دغدغه‌ای که امروزه در ادبیات علمی با عنوان «اداره امور عمومی»^۱ یا «مدیریت دولتی» از آن یاد می‌شود. حکومت‌ها گرچه یک مصنوع طبیعی نیستند، اما دغدغه‌هایی عامه همچون حراست از مرزها، ایجاد امنیت در شهرها، رفع فقر اجتماعی، تأمین معاش، حل منازعات میان افراد اجتماع^۱ و دغدغه‌هایی والا تر چون آموزش، عدالت، رشد و بهبودی کیفیت زندگی اجتماعی و رشد معنوی و اخلاقی آحاد جامعه وجود حکومت را برای جوامع امروزی به امری ضروری تبدیل کرده است.

دولت ملی به مثابه شاکله امروزم حکومت‌ها

گرچه قدمت حکومت‌ها به قدمت تاریخ حیات اجتماعی بشر است، دولت‌های مدرن در قالب دولت‌های ملی در پایان قرن هجدهم پای به عرصه وجود گذاشتند. طی صد سال گذشته، این دولت‌های ملی سبب شدند تا مرزها از استحکام بیشتری برخوردار شود. این دولت‌ها بیش از پیش قدرت خود را بر حکومت‌های محلی تحمیل نموده و با استفاده از منابع مالی عمومی ادارات سازمانی پرشماری را ایجاد کردند. بهبود امکانات ارتباطی، به دولت‌های ملی این امکان را داد که قدرت نظامی و غیررسمی خود را بر مناطق دورافتاده، اعمال کنند و در نهایت هنگامی که دولت‌های مدرن بیش از پیش قدرت یافتند، توانستند با ایجاد یک زبان رسمی و نمادهای ملی، وحدت اجتماعی را تقویت کنند.

بوروکراسی گونه‌ی ایده آل اداره دولت مدرن

اما برای اداره این دولت‌های مدرن، الگوی بوروکراسی ارائه گردید. بوروکراسی‌های دولتی در قرن بیستم گسترش یافتند. بوروکراسی یک‌گونه سازمانی ایده‌آل برای انجام کارهای پیچیده و در عین حال تکراری است. در این نوع از اداره دولت، قانون ضامن مشروعیت حکومت است و سلسله مراتب اداری عامل اجرای اهداف و دستورات حکومت‌ها. امروزه بوروکراسی، کارکردها و ضعف‌های آن نه تنها برای اندیشمندان بلکه برای عموم جامعه امری شناخته شده و آشنا به نظر می‌رسد چراکه زندگی ما را از سنین کودکی تا مرگ در بر گرفته است.

بوروکراسی رو به زوال در سه دهه اخیر

با وجود کارکردهای مثبت بوروکراسی، در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، به‌خصوص در آمریکا و انگلیس، دستگاه بزرگ بوروکراسی حکومت هر روزه به خاطر بزرگی و کم تحرکی و در نهایت ناتوانی در تحقق نیاز شهروندان مورد مؤاخذه قرار گرفت. در پاسخ به این دغدغه، تحولاتی در اداره دولتی این کشورها روی داد که تغییرات معتابه‌ای در ماهیت و نقش دولت ایجاد نمود. ساختارهای دقیق سلسله‌مراتبی و

بوروکراتیک اداره امور دولتی، تبدیل به مدیریت دولتی قابل انعطاف و مبتنی بر «بازار» شد؛ چیزی که امروزه تحت عنوان «مدیریت دولتی نوین» شناخته می‌شود. اما این اصلاحات اداری ناشی از مدیریت دولتی نوین، موجب از بین رفتن بخشی از توانایی و اقتدار دولت‌ها شد. آنچه رودزⁱⁱⁱ با عنوان «توخالی شدن دولت»^{iv} از آن نام می‌برد. علاوه بر این اجتماعات و جوامع مدنی در دو دهه اخیر به عنوان هویت مستقل از دولت‌ها و بخش خصوصی شناخته شدند که قادر به ایفای نقش در عرصه عمومی بودند. کاهش اقتدار در دولت مرکزی و همچنین ظهور قدرت‌ها و بازیگرانی در عرصه‌های ملی و فراملی، مفهوم دولت مرکزی را دچار خدشه کرد و دولت‌های ملی را از شاکله و تصلب سابق خود خارج نمود و یکی از عوامل اصلی گذار از مفهوم «حکومت» به «حکمرانی» در کشورها شد.

امروزه در عرصه‌های جهانی و در ادبیات کشور ما، مفهوم حکمرانی به عنوان واژه‌ای پربسامد و پرآوازه شنیده می‌شود؛ حال آنکه همچنان معنای روشنی از آن مشخص نیست و نیازمند تبیین علمی این واژه یک ضرورت به حساب می‌آید. پس از فروپاشی مفهوم حکومت، این نیاز در نظریه و عمل وجود دارد که مفهوم حکمرانی شفاف شود.

مفهوم حکمرانی

پرسش اینجاست که پس از کمرنگ شدن مفهوم حکومت، حکمرانی به چه معنایی دلالت دارد؟ از نظر منس^v مسئله اصلی در حکمرانی، «هماهنگی جمعی»^{vi} است؛ هماهنگی جمعی مفهوم مقوم تمامی گونه‌های هدایت اجتماعی است که در برهه‌ای از تاریخ خود را بروز داده است؛ و هریک از آن‌ها به عنوان نمونه‌ای از اشکال هماهنگی جمعی به شمار می‌روند. حکمرانی می‌تواند به معنای تمامی «فرایندهای حکومت کردن» باشد. این واژه، تمرکز بر نهادهای رسمی حکومت را با شناسایی فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای که فراتر از مرزهای دولت و جامعه است، تکمیل می‌کند. این واژه توجه را به سوی «فرایندها» و برهم‌کنش‌های پیچیده‌ای که در حکومت کردن دخیل‌اند، معطوف می‌کند. به‌طور مشخص حکمرانی دربرگیرنده خیزش فرایندهای نوینی از حکومت کردن است که ترکیبی، دارای صلاحیت‌های چندگانه و طرف‌های ذی‌نفع پرشماری است که در یک شبکه با هم کار می‌کنند. ذیل حکمرانی جدید، این فرایندها به گونه روزافزونی در شبکه‌ها، بازارها و ساختار سلسله‌مراتبی درگیر شده و کنشگران مختلف از بخش‌های خصوصی، دولتی و داوطلبانه را به خود جذب می‌کند. این گونه شناسی‌ها، بر سه نوع عالی هماهنگی متمرکز است:

۱- سلسله مراتب

۲- بازار

هر یک از این سه نوع عالی، بر شکل خاصی از حکمرانی برای هماهنگی امور وابسته است. سلسله مراتب بر اقتدار و قدرت متمرکز، بازارها بر قیمت و رقابت پراکنده و شبکه‌ها بر اعتماد میان اعضای شبکه استوار شده‌اند. vi i

شبکه	بازار	سلسله مراتب	حکمرانی
اعتماد	قیمت	اقتدار	بنیان روابط میان اعضا
مبادله منابع	قراردادها و حقوق مالکیت	استخدام	سطح وابستگی میان اعضا
وابستگی متقابل	مستقل	وابسته	ابزارهای حل اختلاف و همتاگی
دیپلماسی	چانه زنی	قوانین و فرمان‌ها	فرهنگ
اقدام متقابل	رقابت	فرمانبرداری	

گونه شناسی ساختار سازمانی

امروزه اشکال مختلف حکمرانی بسته به آن که هر یک از گونه های سلسله مراتب، بازار و شبکه از چه نسبت و کیفیتی برخوردار است، متفاوت خواهد شد.

در گونه شناسی دیگر جسوپ ۴ نوع ایده آل حکمرانی را به عنوان الگوهای هماهنگی اجتماعی شناسایی می‌کند و علاوه بر سه گونه مرسوم گونه ای دیگر را بر آن می‌افزاید. vi i i

تبادل	فرمان	گفتگو	به هم پیوستگی
نوع عقلانیت	عقلانیت صوری و رویه‌ای	جوهری، هدف مدار، دستیابی به اهداف	انعکاسی و رویه‌ای
محک موفقیت	تخصیص منابع به صورت کارا	کسب اثربخش هدف	اجماعی مذاکره شده
نمونه بارز	بازار	دولت	شبکه
دستگاه	انسان اقتصادی	انسان سلسه مراتبی	انسان سیاسی
افق‌های زمانی و مکانی	بازار جهانی زمان قابل بازگشت	در فضای سازمان، برنامه ریزی	تجدید مقیاس، شکل دادن به مسیر
محک شکست	اولیه ناکارآیی اقتصادی	عدم اثربخشی	سر و صدا فروشگاه گفتگو
محک شکست	ثانویه عدم کفایت بازار	بوروکراتیسم، نوار قرمز	پنهان کاری، عدم تقارن همراه با وابستگی متقابل

حکمرانی نوین اسلامی در گام دوم انقلاب

پس از این مقدمه از بیان مفهوم حکمرانی در ادبیات غرب به بررسی ابعاد مفهومی حکمرانی در بیانات مقام معظم رهبری و همچنین تبیین الگوی مطلوب ایشان از حکمرانی نوین اسلامی می‌پردازیم.

لزوم حضور و همراهی حکومت‌ها در تحقق اهداف اجتماعی در بیانیه گام دوم

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم وجود و همراهی حکومت‌ها را امری ضروری برای جامعه می‌داند. این ضرورت نه تنها در امور بدیهی چون ساماندهی به امنیت و اقتصاد جامعه حیاتی است بلکه همراهی حکومتها در امور معنوی و اخلاقی جامعه به عنوان رکنی کلیدی تلقی میشود. ایشان در بیانیه گام دوم نقش حکومت‌ها را نقشی تسهیل‌کننده می‌دانند نه نقشی آمر و فرمان‌دهنده، چرا که دستور بدون همراهی مردم، امری تباه‌شدنی است و دوامی نخواهد داشت.

اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.^{ix}

ضرورت پرداختن به حکمرانی از نگاه اسلام

بر اساس اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، اسلام محدود به معرفت نیست و تعهد به عمل و تحقق احکام اسلام نیز جزو اسلام است. در بعد معرفتی یکی از مباحث آیین حکمرانی است؛ اما در بعد عملی هدف «استقرار توحید در جامعه» که جز از طریق حکومت‌ها و ساختارها و فرایندهای حکمرانی میسر نخواهد شد.

اسلام فقط معرفت نیست، تعهد به عمل و تحقق احکام اسلام هم جزو اسلام است؛ یعنی یک وقت هست که ما اسلام را - که میخواهیم در حوزه یاد بگیریم - فقط عبارت میدانیم از اصول و فروع و اخلاق و همینهایی که هست - [که] واقعیت هم همین است؛ [یعنی] اصول دین، فروع دین، ارزشهای اخلاقی، سبک زندگی، آئین حکمرانی، اینها همه جزو اسلام و جزو معارف اسلامی است - خب اینها را باید برویم در حوزه‌ی علمیه یاد بگیریم. لکن این [برداشت] درست نیست؛ این بخشی از

کار حوزه‌های علمیّه است؛ چرا؟ چون این بخشی از اسلام است؛ بخش دیگر اسلام عبارت است از محقق کردن این حقایق در متن جامعه، در متن زندگی مردم، یعنی هدایت؛ این بخشی از اسلام است دیگر. اسلام فقط توحید به معنای علم توحید با همان عمق و معرفت عرفانی و فلسفی و [مانند] اینها نیست، بلکه اسلام عبارت است از استقرار توحید در جامعه؛ یعنی جامعه موحد بشود؛ این هم جزو اسلام است.^x

ایشان در سخنرانی دیگر می‌فرمایند هدف از دین ایجاد حکمرانی به وسیله انبیا و زعمای الهی است و حکمرانی در این معنا یعنی «اطاعات از خداوند متعال در همه امور زندگی» و «تحقق اسلام در محیط زندگی».

پیغمبر اکرم قبل از اینکه بیاید مدینه، از مردم مدینه که آمده بودند، از نمایندگان اوس و خزرج بیعت گرفت؛ گفت با جانتان، با مالتان باید همراه من باشید، آنها هم قبول کردند، پیغمبر [هم] تشریف آورد مدینه. وقتی هم وارد مدینه شد، هیچ سؤال نکرد که حالا مثلاً حاکمیت هم به عهده‌ی ما است یا نه؛ نه، معلوم بود، همه میدانستند آمده و حاکمیت و حکمرانی و اداره‌ی حکومت به عهده‌ی او است. دین برای این است: ما آرسلنا من رسولٍ اِلَّا لِيُطَاعَ بِاِذْنِ اللَّهِ؛ (۱۴) معنای «لِيُطَاعَ» فقط این نیست که اگر گفت نماز بخوانید، نماز بخوانید؛ نه، [معنایش] اطاعت در همه‌ی امور زندگی [است]، یعنی حکمرانی. خوب پس این بخشی از اسلام است، یعنی بخشی از اسلام عبارت است از معارف اسلامی که این معارف شامل عقلیات و نقلیات و ارزشهای اخلاقی و بیان سبک زندگی و شیوه‌ی حکومت است؛ و همه‌ی اینها جزو معارف اسلامی است که دانستن اینها لازم است. این بخشی از اسلام است؛ بخشی از اسلام هم عبارت است از تحقق اینها در خارج؛ یعنی توحید محقق بشود در خارج، نبوت به معنای در رأس جامعه بودن تحقق پیدا کند. خوب «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» را باید شما محقق کنید. نمی‌گویم حتماً باید شما در رأس جامعه باشید - خوب شکل حکومت ممکن است انواع و اقسامی داشته باشد - اما شما به عنوان عالم دین و متخصص دین موظفید که اسلام را در خارج، در محیط زندگی محقق کنید؛ این وظیفه‌ی ما است.^{xi}

دستورات حکمرانی اسلامی، منبعث از کتاب الهی است. این اعتقاد از آنجا بر می‌آید که بدانیم که همه برنامه‌های مورد نیاز بشر در چارچوب اصول و قواعد دین قابل پیاده‌سازی است.

پس با آمدن پیغمبر یک نظام سیاسی به وجود می‌آید، یعنی هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید - حالا اینکه کدام پیغمبر توفیق پیدا کرد این کار را بکند و کدام توفیق پیدا نکرد بحث دیگری است، لکن هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید - که بتواند این اهداف را با تشکیل برنامه‌ها و مناسبات اجتماعی و مناسبات گوناگون بشری تحقق ببخشد. در این نظام سیاسی، آئین حکمرانی از کتاب خدا گرفته میشود و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل میکند، که میفرماید: فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا

اِخْتَلَفُوا فِيهِ؛ «لِيَحْكُمَ» یعنی «لِيَحْكُمَ كِتَابٌ»؛ این کتاب حکم کند بین مردم در آنچه باید انجام بدهند، و حاکم او است در همه‌ی تنظیم‌های اجتماعی. این در سوره‌ی بقره است، در سوره‌ی مائده [میفرماید]: «وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْأَنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ؛ انجیل حاکم است؛ یعنی دستور حکمرانی از انجیل گرفته میشود برای اهل انجیل؛ و همچنین در [مورد] پیغمبران دیگر که در آیات «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» و «أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» و «أُولَئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ» هست، در همه‌ی اینها آن چیزی که منبع و منشأ حکمرانی است و دستور حکمرانی و برنامه‌های حکمرانی از آن گرفته میشود، عبارت است از کتاب الهی که به پیغمبر نازل شده است؛ این اصول و اساس در آن [کتاب] است؛ و همه‌ی برنامه‌های بشری در چهارچوب این اصول بایستی گذاشته بشود^{xii}.

ضرورت تحول در حکمرانی کشور در گام دوم انقلاب

یکی از مفاهیمی که مقام معظم رهبری پس از بیانیه گام دوم و در تشریح ابعاد این بیانیه در گام دوم انقلاب مورد تأکید قرار داده اند، مفهوم تحول است. از نظر ایشان جمهوری اسلامی ایران پس از پشت سر گذاشتن ۴۰ سال از عمر خود نیازمند تحول است اما نه تحول در مبانی، اصول و خطوط اصلی انقلاب، بلکه تحول در شیوه‌ها و فرایندها که منجر به هموار نمودن مسیر تحقق اهداف انقلاب خواهد شد. یکی از عرصه‌های تحولی که مورد نظر ایشان قرار گرفته است تحول در همه بخش‌های اداری و بخش‌های حکمرانی کشور است.

اما مقصود ما از تحول، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی است در همه‌ی بخش‌های اداری کشور و بخش‌های حکمرانی کشور و همچنین در بخشهایی از سبک زندگی عمومی - که حالا بعد نمونه‌هایی را عرض خواهم کرد- و به طور خلاصه، حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها و روشها و کارکردها.... در واقع حرف ما، مراد ما از تحول، تحول برای تقویت انقلاب است؛ مراد آنها از تحول، تحول برای نفی انقلاب و نفی مبانی انقلاب است، مراد آنها نزدیک شدن به هنجارهای نظام سلطه است. خب پس بنابراین آن کلمه‌ی تحول کافی نیست. مراد از تحول در بیان ما و در منطق ما عبارت است از اینکه ما به سمت تقویت مبانی انقلاب و اصول انقلاب و خطوط اصلی انقلاب حرکت کنیم، منتها با شیوه‌های نو و با نوآوری و ابتکار^{xiii}.

هدف از تحول حکمرانی: روان شدن حرکت به سمت آرمان‌های انقلاب

هدف از تحول در حکمرانی کشور، از منظر مقام معظم رهبری تقویت خطوط اصلی انقلاب است، این تحول برخلاف نظر معاندین نظام اسلامی، یک ارتجاع به اصول گذشته و نفی اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی نیست، چراکه ما ضعف‌ها و ناکامی‌ها را از جانب آرمان‌ها و ارزش‌ها نمی‌دانیم بلکه این ضعف از عملکرد

و شیوه عمل ما ناشی میشود؛ از این رو تحول در ساختار حکمرانی به منظور روان شدن حرکت به سمت آرمان‌ها امری ضروری است. آرمان‌های نظام اسلامی به دو سطح آرمان‌های خرد و کلان تقسیم می‌شود. آرمان‌های خرد، میان مدت و آرمان‌های کلان، بلند مدت هستند. آرمان کلان حکمرانی اسلامی نیز تحقق تمدن نوین اسلامی یا جامعه اسلامی است.

احسن‌الحال به نظر ما همان تقویت خطوط اصلی انقلاب و روان شدن حرکت به سمت آرمانها است؛ یعنی آرمانهای انقلاب مثل عدالت، مثل استقلال، مثل اسلامی شدن جامعه، اینها آرمانهای بزرگ و اساسی است؛ باید حرکت به سمت این آرمانها آسان بشود و روان بشود. الان ما دشواری‌های زیادی در این زمینه داریم، احتیاج به یک حرکت تحوُّلی وجود دارد. بعضی از آرمانها، آرمانهای کلان نظام جمهوری اسلامی‌اند، آرمانهای بلندمدت و میان‌مدت هستند و البته آرمانهای اساسی هستند که باید به آنها توجه کرد؛ مثل تشکیل جامعه‌ی اسلامی یا استقرار عدالت اجتماعی یا مسئله‌ی استقلال، مسئله‌ی آزادی و مانند اینها؛ اینها آن آرمانهای اساسی است بعضی از این آرمانها در سطوح خردتری هستند و در واقع اجزای تشکیل آن آرمانهای سطح بالا محسوب میشوند؛ مثل مثلاً فرض کنید پیشرفت علمی؛ یک آرمان است - یکی از آرمانهای ما قطعاً پیشرفت علمی است - منتها جزئی از مجموعه‌ای است که جامعه‌ی اسلامی را تشکیل خواهد داد یا استقلال ما را مثلاً تشکیل خواهد داد. یا فرض کنید که اقتدار در سیاست خارجی که به معنای بیرون نگه داشتن کشور و نظام سیاسی از شبکه‌ی اقماری قدرتهای مستکبر و نظام سلطه است. یا خودکفائی اقتصادی که در واقع یکی از آرمانهای خرد نسبت به آن آرمانهای عمده است. بعضی دیگر از این آرمانهایی که دنبالش هستیم و باید دنبالش باشیم و در این تحول به آنها توجه بکنیم، در واقع سیاستهایی هستند در جهت اداره‌ی کشور و امنیت بخشیدن به انقلاب، و انقلاب را حفظ کردن؛ مثل نهادسازی‌هایی که شد: تشکیل سپاه، تشکیل جهاد سازندگی، تشکیل بسیج که اینها هم جزو سیاستهایی است که در بدنه‌ی آن آرمانهای اساسی قرار دارند؛ یا اسلامی شدن دانشگاهها مثلاً فرض کنید؛ یا تبدیل صدا و سیما به یک دانشگاه عمومی آن روز چهل میلیونی، و امروز هشتاد میلیونی؛ این جزو آرمانها بوده، جزو مسائلی است که در پی آن بوده‌ایم و باید باشیم و بایستی این آرمان را دنبال بکنیم و امثال اینها. بنابراین همین طور که ملاحظه میکنید، خطوط اصلی نظام جمهوری اسلامی که باید حفظ بشود و حرکت به سمت آنها آسان‌سازی و روان‌سازی بشود، در سطوح مختلفی قرار دارند: از تشکیل جامعه‌ی اسلامی و آن آرمانهای برتر بگیریید تا آرمانهای میانی مثل پیشرفت علمی و امثال اینها، تا این حرکت‌ها و سیاستهای اجرایی از این قبیل که گفته شد^{xi}.

اصلی‌ترین ارزش که در تمدن اسلامی که تجلی حکمرانی اسلامی است تحقق پیدا می‌کند، عدالت اجتماعی است که در بیانیه گام دوم به صراحت بدان اشاره شده است

عدالت در صدر هدف‌های اولیة همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمانها و سرزمینها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولّیعصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گامهای بلندی برداشته است.^{xv}

حوزه‌های تحول در حکمرانی

حوزه‌های تحول حکمرانی به دو بخش قابل تفکیک است اولاً بخش‌های مدیریتی در کشور، که در زمینه‌های اقتصاد، مسائل اجتماعی و مسائل فکری نیاز به تحول است. عرصه دوم عرصه زندگی عمومی مردم است که شامل خلیقات عمومی مردم می‌شود.

[در مورد] حوزه‌ی تحوّل هم که این تحوّل در کجاها باید انجام بگیرد، همان طور که قبلاً اشاره کردم، هم در بخش‌های گوناگون حکمرانی و بخش‌های مدیریتی کشور است که خب در زمینه‌های اقتصاد^{xvi}، در زمینه‌های مسائل اجتماعی، در زمینه‌های مسائل فکری، مشخص است کم‌کاری‌هایی وجود دارد و رفت و برگشت‌های اداری، کاغذبازی‌ها و دیوان‌سالاری‌های زائد و مقررات غیر مفید و گاهی مضر، مانع از تلاش است - هم در زمینه‌ی اقتصاد که خیلی واضح است و هم در زمینه‌های دیگر - بنابراین یک حوزه‌ی مهم برای تحوّل، همین بخش‌های مدیریتی کشور است؛ یک بخش هم در مورد زندگی عمومی مردم است که در این زمینه‌ها هم به معنای واقعی کلمه در بعضی از بخش‌ها بایستی تحوّل حرکت کرد. عادات غلطی در بین ما مردم وجود دارد که با اینها بایستی برخورد کرد. با نصیحت و توصیه و راه‌حل‌های جزئی نمیشود کار کرد، یک کار تحوّل لازم است؛ مثلاً فرض کنید قضیه‌ی اسراف. در کشور ما اسراف وجود دارد؛ اسراف آب، اسراف موادّ غذایی، اسراف برق. مسابقه‌ی تجمل؛ که حالا ما اشرافیگری را نفی کردیم و زشت شمردیم که به جای خود مطلب کاملاً درستی است لکن مشکل اینجا است که ریخت‌وپاش‌های اشرافی‌گرانه به طبقات غیراشرافی هم در واقع سرایت کرده و متأسفانه مسابقه‌ی تجمل در ازدواجها، در خانواده‌ها و کارهای گوناگون وجود دارد و باید با آن مبارزه کرد. یا بالا رفتن سن ازدواج، یا پیری جمعیت کشور و همین مسائلی که در بیانات بعضی از دوستان هم بود. خب پس همه‌ی اینها حوزه‌های لزوم تحوّل است، در همه‌ی اینها بایستی تحوّل به وجود بیاید^{xvii}.

یکی دیگر از حوزه‌های اولویت دار فساد در نظام اداری کشور است که مورد اشاره بیانیه گام دوم قرار گرفته است:

ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی

الگوی حکمرانی نوین اسلامی: نظریه نظام انقلابی راه پیشرفت آینده

همان طور که بیان شد هدف از حکمرانی، «آسان‌سازی» و «روان‌سازی» فرایندها و ساختارهای مدیریتی و اجتماعی برای نیل به اهداف انقلاب اسلامی است؛ حال سوال این است که این الگوی حکمرانی به چه شکل است و چگونه عمل خواهد کرد؟ این الگو که به عنوان الگوی نوین حکمرانی اسلامی از آن یاد می‌کنیم در نگاه مقام معظم رهبری و در بیانیه گام دوم با عنوان نظریه «نظام انقلابی» شناخته می‌شود. در بیانیه گام دوم در خصوص این نظریه می‌خوانیم:

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند^{xviii}.

تضاد بین دو مفهوم نظم و تغییر از مفاهیم بنیادین جامعه‌شناسی به حساب می‌آید و عاملی میان تفکیک نظریات و گفتمان‌های مختلف است؛ همچنین در صحنه عمل نیز دو عنصر نظم و تغییر دو عامل ایجاد تعارضات و تزااحات اجتماعی و سیاسی است. انقلاب‌ها معمول برای ثبات به نظم روی می‌آورند و از عنصر تغییر و انقلابی بودن فاصله می‌گیرند، یا چنان دچار تغییر می‌شوند که استحاله شده و از اهداف اصیل خود فاصله می‌گیرند. در این بین رهبر معظم انقلاب قائل به الگوی نظام انقلابی است. نظامی که در اصول، ثابت و استوار است و هیچ‌گاه از آن فاصله نخواهد گرفت و از آن دور نخواهد شد اما در عین حال جوشش انقلابی خود را حفظ نموده و در برابر عوامل رکودزا و غفلت‌زا فاصله خواهد گرفت. اما این عمل چگونه ممکن و مقدور است؟ پاسخ کلیدی این پرسش در این بخش از بیانیه گام دوم نهفته است:

جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل‌جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

از نظر مقام معظم رهبری، وظیفه تحقق گام دوم انقلاب بر عهده جوانان متعهد و انقلابی است؛ ایشان در اولین دیدار با دانشجویان پس از صدور بیانیه به تبیین جایگاه جوان در نظریه نظام انقلابی می پردازند:

ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است.^{xix}

خب این چهار عنصری که گفتیم -همه‌ی اینها- که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین اینها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی در پی و لحظه به لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم تر از همه جوانهای جامعه را به پیش برد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریانهای حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها میتوانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکلهای دانشجویی از این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند اینها از این قبیلند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال تر باشد، مؤثرتر است.^{xx}

محوریت حرکت عمومی با جوانان است. ثانياً به راه اندازی این کاروان عظیم جامعه و مهم تر از همه جوانهای جامعه به خودی خود محقق نخواهد شد و نیازمند ساختاری نهادی در بطن جامعه است که ایشان با عنوان جریان حلقه های میانی از آن یاد می کنند که از دل مردم خلق شده و فارغ از دولت فعالیت می کند. بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری وظیفه جریان های حلقه میانی حفظ و حراست از ارزشهای انقلاب است و به عنوان موتور محرک جامعه اسلامی، وظیفه دارد عموم جامعه و حرکت عمومی آن را به جریان بیاورد. از طرف دیگر این جریان وظیفه رصد و مراقبت نظام اسلامی را بر عهده دارد و نمی گذارد که کارگزاران نظام اسلامی از وظایف خود تخلف نمایند. این جریان با اتصال به ولی جامعه حرکت می کند و روابط آن بر اساس منویات امام جامعه تعیین می شود. این جریان رسالت تشکیل و حفظ دولت انقلابی و اسلامی در کوتاه مدت و تحقق تمدن نوین اسلامی در بلندمدت را عهده دار است.

توجه و تمرکز بر جریان حلقه های میانی و از طریق آن شکل دهی به حرکت عمومی جامعه برای نیل به آرمان ها موجب می شود، فضای تنفسی نوآوری شامل همه کنش اجتماعی شود و قدرت و تصمیم در

انحصار گعده‌ای خاص نباشد. این الگو از حکمرانی متمایز از الگوهای مرسوم حکمرانی نظیر سلسله مراتب، شبکه و بازار است. در الگوی بوروکراتیک، به فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرا، به‌مثابه توسعه‌ی یک‌باره‌ی ایده و خط مشی سیاسی، از بالا به پایین نگاه می‌کنند. این در حالی است که در الگوی نوین حکمرانی اسلامی که درخور سیاست عمیقاً تحول‌یابنده‌ی امروز است، تلاش‌های نوآورانه منحصراً بر آینده و ایده و خط مشی سیاسی بعدی تمرکز دارند. در دیدگاه نظام انقلابی، نوآوری در فرایندی وسیع و انتشاریافته که طی آن، ایده‌ها در هر نقطه‌ای مجال طرح می‌یابند، به رسمیت شناخته می‌شوند، امتحان می‌شوند، به سمت اجرا می‌روند، بازخورد می‌گیرند و تصحیح می‌شوند.^{xxi}

جمع بندی

حکومت و حکومت‌داری دغدغه‌ای است که از دیرباز اندیشه خردمندان و حاکمان و متولیان جوامع مختلف را به خود معطوف داشته است؛ دغدغه‌ای که امروزه در ادبیات علمی با عنوان «اداره امور عمومی»^{xxi} یا «مدیریت دولتی» از آن یاد می‌شود. منظور از حکمرانی در ادبیات غربی، الگوهای هماهنگی جمعی است که عمدتاً به سه نوع سلسله مراتب، بازار و شبکه تقسیم می‌شود.

دین مبین اسلام دینی جامع است که علاوه بر حوزه عبادات و امور فردی درباره تمامی شئون زندگی انسان برنامه دارد. این برنامه شامل تمامی حوزه‌ها اعم از آیین حکمرانی و سبک زندگی می‌شود. علاوه بر این اسلام در دل خود تحقق توحید در عرصه حیات اجتماعی انسان را می‌خواهد که این عین حکمرانی است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب و همچنین در بیانات دیگر خود به لزوم تحول در ساختار حکمرانی و مدیریت کشور اشاره داشته‌اند. این تحول منجر به الگوی نوین حکمرانی اسلامی خواهد شد که جامعه اسلامی و تمدن اسلامی را در بر دارد. این تحول ناظر به ایجاد حرکت عمومی در جامعه و به کارگیری جوانان است.



i public administrati

ii نوری، روح الله. ۱۳۹۲. مبانی مدیریت دولتی (نظریه های دولت و اداره امور عمومی در ایران). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. صفحه ۱۲

iii Rhodes, R.A.W. 1997. *Understanding governance: policy networks, governance, reflexivity and accountability*. Open University Press.

iv Hollowing out of the state

v Mayntz. (2004) 2004. *Governance im modernen Staat*. – pp 691

vi Collective coordination

vii بیور، مارک. ۱۳۹۸. حکمرانی در آمدی بسیار کوتاه. ترجمه ی غلامرضا سلیمی و کریمی. تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

viii Jessop. n.d. *Governance, governance failure and metagovernance*.

ix بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

x بیانات در دیدار طلاب حوزه های علمیه – ۱۳۹۸/۲/۱۸

xi بیانات در دیدار طلاب حوزه های علمیه – ۱۳۹۸/۲/۱۸

xii بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث – ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

xiii بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل های دانشجویی – ۱۴۰۰/۲/۲۱

xiv بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل های دانشجویی – ۱۴۰۰/۲/۲۱

xv بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

xvi ایشان در بیانیه گام دوم چالش های درونی ساختار حکومتی که مانع اقتصاد پیشرفته میشوند، شامل موارد ذیل می دانند:

- وابستگی اقتصاد به نفت
- دولتی بودن بخش هایی از اقتصاد که در حیطه ی وظایف دولت نیست.
- نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی
- استفاده ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور،
- بودجه بندی معیوب و نامتوازن
- و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتها و وجود هزینه های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه های حکومتی است.

^{xvii} بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی - ۱۴۰۰/۲/۲۱

^{xviii} بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

^{xix} بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان - ۱۳۹۸/۳/۱

^{xx} بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان - ۱۳۹۸/۳/۱

^{xxi} <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=41694>

^{xxii} public administration